

## مروری بر کتاب ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان )

### اثر کریم پیکار پامیر

در شرایط دشوار کنونی که کشور ما افغانستان در دو راهی جنگ و صلح، قدرت و بی قدرتی، انسجام و بی نظمی و در آخرین تحلیل، هستی و نیستی قرار دارد، عده بی بخاطر دستیابی بقدرت، ولو به شیوه های نامطلوب، ملت بخون نشسته ی ما را سزاوار عقبگرایی و ظلمت همیشه گی میدانند.

کسان دیگری هم هستند که چون جعدان ویرانه نشین، پیام مرگ و بدبختی را می سرایند. ولی خوشبختانه در عین زمان، نغمه سرایان هستی کشور، پرنده های مهاجر، این عندلیبان خوش الحان و حماسه سرایان هستی، پیام صلح و خوشبختی را زمزمه مینمایند تا به همنوعان خویش بفهمانند که هنوز ریشه هستی و خوشبختی خشکیده است .

یکی از پیام آوران صلح و هستی، شاعر حماسه سرا، تاریخ نویس و نویسنده توانای کشور (پیکار پامیر) است. هنوز تأثیرات کتاب ( پندار نیک)، اثر دیگری از پیکار پامیر که قبلاً به مطالعه آن توفیق یافته بودم، در ذهنم باقی بود که آفریده تازه این صاحب اندیشه پرتلاش و با انرژی کشور بنام (ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) به دسترسم قرار گرفت.

من تاریخ نویس نیستم که ادعای ابراز نظر و یا جسارت نقد آنرا نمایم. این موقف، به من جرأت میبخشد تا آزادانه و با رعایت مسوولیت اخلاقی، تأثیرات کتاب محترم پیکار پامیر را که بر ذهنم وارد نموده است، بیان دارم.

برتری شیوه تاریخ نویسی پیکار پامیر در آنست که او از اسالیب مؤرخین کلاسیک کشور چون غلام محمد غبار و فیض محمد کاتب و غیره فیض برده، ولی کتاب وی از غنایی که ابتکار نویسنده باشد، خالی نیست. بطور مثال، اگر تاریخ نویسان کلاسیک ما ( شیوه خاص غبار) که در بیان حقایق تاریخی همیشه از عام به خاص می آید، بدین مفهوم که در توضیح وضعیت خاص تاریخی، اول اوضاع اطراف افغانستان، شرایط بین المللی، منطوقی و خود کشور را تشریح نموده بتدریج و رعایت جوانب تاریخی و منطقی به موضوع ویژه تاریخی که عبارت از مقطع زمانی خاص مانند بررسی رژیم و چگونگی آن است، میپردازد. مگر پیکار پامیر نویسنده ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) بر علاوه استفاده

از این شیوه ها، در اصل موضوع کاوش بیشتر از دیگر مؤرخین را انجام میدهد و گاهی هم به اسلوب جدیدی دست می زند که برعکس، شیوه مرور از خاص به عام را به نمایش میگذارد که این شیوه، سوالات و ابهامات موجود در ذهن خواننده را به حد اقل کاهش میدهد.

در اثر تازه ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) ، این شیوه در افشای دار و دسته محمد نادرشاه، لوینابها، مجددی ها، صاحبزاده ها، نورالمشایخ ها و ملا های دیوبندی چنان با مهارت بکار رفته است که وطن فروشان بیگانه پرست را به شاخی باد نموده است تا کاه را از دانه جدا کرده گروه خاینین را از توده وطن پرستان تفکیک نماید. عدم تفکیک خدمت و خیانت یکی از پرابلم های بزرگ جامعه افغانی بوده و در شرایط کنونی نیز به قدر کافی جایش را دارد که بدان پرداخته شود و او در این کار، موفقیت های بینظیر را نصیب گردیده است .

امتیاز دیگر کار پیکار پامیر در آنست که او اول تاریخ مینویسد و بعد از بیان رویداد های تاریخی، نظر و مودل خودش را ارایه میدارد. وی واقعات را نه تنها بیان میکند، بلکه آنها را تحلیل و ارزیابی نیز مینماید. چنانچه در مورد دوستی اعلیحضرت امان الله خان با شوروی مینویسد : " امروز هستند کسانی که اعلیحضرت امان الله خان را بخاطر برقراری روابط دوستانه اش با شوروی آنروز ملامت نموده و عمل تجاوزی سال 1979 م قشون روس به افغانستان را که شصت سال بعد از آن صورت گرفت، با اقدامات دیروزی شاه جوان افغان مرتبط میسازند. البته اینان کسانی اند که یک رژیم نو بنیاد و منافع ملی دولت امانی را نمی شناسند و یا آنرا نا دیده می گیرند. "

یکی از نقایص فاجعه بار تاریخ نویسی در کشور ما چنین بوده است که افتخارات ملی و تاریخی بنام فرمانده، سپه سالار، سلطان و امیر درج میگردد، اما پیکار پامیر افتخارات تاریخی را مربوط به کسانی میدانند که واقعا آن افتخارات را آفریده اند. طور مثال ، او در رابطه به جنگ آزادیخواهان افغان و انگلیس در قندهار که در سال 1919 م واقع شد، مینویسد : " اقوام و طوایف ارغندابی و ارغستانی و الوکوزی و قزلباش و توخی و کاکری و فوفلزایی و محمد زایی و شیعه و سنی و غیره بصورت داوطلبانه به زیر درفش مبارزه مقدس آزادیخواهی جمع شده و چون سیل خروشان بسوی سرحدات به حرکت آمدند. "

خلاصه اینکه پیکار پامیر نه تنها با احتیاط و حرمت از تاریخ نویسان گذشته پیروی میکند، بلکه تاریخ نو مینویسد و تاریخ می آفریند. نویسنده، هنگامیکه رویداد های تاریخی را بیان میدارد، خودش را نیز

قربانی جنایات بحساب می آورد و موضعگیری قاطع اجتماعی اش را بیان میدارد. طور مثال، در جایی مینویسد که " عبدالرحمن خان به جهنم پیوست ". در اینجا میخوام موضوعی را که مایه رنج دایمی برای من است، بیان دارم و آن اینکه دشمنان خارجی ما نه تنها در تحقق پلان های خاینانه علیه ملت و کشور ما موفق بوده اند، بلکه توانسته اند مقاومت های برحق مردم ما را که در مخالفت با منافع خارجی و عمال دست نشانده آنها شکل گرفته و ظهور نموده اند نیز به نفع خود شان بچرخانند.

معلومات مستدل تاریخی در باره گروپ سید حسین و حبیب الله کلکانی که ظهور آنها بدون شک معلول استبداد رژیم های خاندانی و مزدوران خارجی بوده اند، چطور شد که در سر نگرانی رژیم مترقی و سرکوب نیرو های آزادیخواه ازان استفاده برعکس صورت گرفت ؟ این موضوع در شرایط کنونی کشور نیز مسأله حاد است که مبارزات و مقاومت مردم قربانی قهرمان پرستی، کیش شخصیت و مظاهر منفی گردیده و پروسه ای که باید به مقاومت بزرگ ملی علیه حاکمیت خاندانی و قبیله ای منجر میگردد، برعکس به نفاق ملی به شکل تازه و فاجعه آمیز آن مبدل شد.

چیزیکه تاریخ نویسی پیکار پامیر را برجسته تر از همه میسازد، استفاده از منابع ناب است که با تغییر نسل، این منابع را از دست خواهیم داد. زادگاه نویسنده، پروان زمین است که حوادث دوره سلطنت امان الله خان به آن نزدیکی دارد. شناخت و روابط شخصی نویسنده با افراد مسن آن دوره، به وی کمک نموده است تا معلومات سچ و دست اول را گرد آورده و مورد استفاده قرار بدهد. بطور مثال، حکایت مرحوم عبدالشکور محمود به نویسنده در مورد قتل سردار عبدالعزیز در آلمان توسط سید کمال و همچنان جنایت سردار محمد داوود که هفده نفر اعضای خانواده سید کمال را در کابل با فیر ماشیندار به قتل رسانیده بود، از جمله هزار ها واقعیت تاریخی اند که تا اکنون پوشیده مانده و مردم ما از دانستن حقیقت در کشور شان محروم نگهداشته شده است. همچنان، معلومات دقیق و ناب در مورد سید حسین از زبان پدر نویسنده و مثالهای دیگر، اعبار کتاب را در استفاده از منابع ناب بیشتر میسازد.

استفاده از اسلوب مقایسه نه تنها در تاریخ نویسی، بل در پژوهش و علوم دیگر کاری است حتمی. نویسنده کتاب ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) بار ها از این شیوه استفاده نموده است که در کارش سخت موفق بوده است. بطور مثال، او شخصیت امان الله خان را از زبان دوستان، رقبا، افغانها و خارجی ها بیان و بعداً با نظریات خودش آنرا تکمیل نموده است. چیزی که بیشتر از همه به برجستگی کتاب افزوده است، استفاده وسیع از تصاویر، اسناد حقوقی و فرامین، نشانها، نامه ها و کاپی اسناد

مربوط به دوره مورد بررسی است که استفاده از شیوه های بصری را در این اثر ممکن ساخته است . استفاده از فرامین ، تصویر روشن و مستند آن دوره را که کتاب به آن اختصاص داده شده بیان میدارد.

مطالعه کتاب ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) تأثیرات عمیق را به خواننده اش بجا میگذارد که علت آن بیان واقعات و رویداد ها به گونه خاص شاعرانه و ترسیم دراماتیک قضایا میباشد. نویسنده کتاب که شاعر و نویسنده نیز هست، توانسته است مهارت های هنری استفاده از کلمات و جملات را در تاریخ نویسی بکار برد. نمیدانم که این کار تصادفی درنوشتن کتاب غنای تازه بخشیده و یا نویسنده هنگام نوشتن، روح و روان خواننده های احتمالی اش را نیز مطالعه نموده و ضرورت های فکری جامعه کنونی افغانی را نیز در نظر گرفته است که در هر دو صورت ، آنرا میتوان در برتری های کتاب به حساب آورد.

قابل ذکر میدانم که در این کتاب ، بارها به معلومات، نقل قول تاریخ نویسان پیشین استناد گردیده است . ولی پیکار پامیر با ترکیب خاص و ظریف و بکار برد شیوه های نگارش، آنرا مؤثر تر ساخته و با آن روح تازه بخشیده است .

مطالعه کتاب مذکور در شرایط سرنوشت ساز کنونی کشور که ساختار دولت و حاکمیت با سهمگیری و نقش خارجی ها مطرح است ، ارزش خارق العاده پیدا میکند. (پایان )